

متن پرسش

شما در تعریف «مبادی فکر غرب» در صفحه ۳۰ فرموده‌اید: «اندیشیدن بر روی داده‌های حسی برای تسلط بر طبیعت»، چرا شما «مبادی» را «اندیشیدن» تعریف کرده‌اید؟ آیا برای آن که دقت این تعریف بالاتر برود، بهتر نیست عبارت «اندیشیدن بر» را حذف کرده «مبادی فکر غربی» را به «داده‌های حسی برای تسلط بر طبیعت» تعریف کنیم؟ و اگر «تسلط بر طبیعت» قید «اندیشیدن» بود، آیا بهتر نیست که با حذف «اندیشیدن»، این قید را هم حذف کنیم (چون صرف داده‌ها که هدف و غرض ندارد)؟ حال از این تعریف فقط «داده‌های حسی» می‌ماند! آیا شما تعریف دیگری از «مبادی فکر غربی» دارید؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: می‌شود اندیشیدن را در این جا به معنای تأمل روحی گرفت که تحت تأثیر مبادی مخصوص به خودش می‌باشد. موفق باشید